

## به کمک نسل جوان کشور بشتابیم!

رسانه های خبری امپریالیستهای اشغالگر تقریباً هر روز اعلان میکنند که امروز فلان تعداد و دیروز فلان تعداد طالب راکشته اند. صرف نظر از اینکه آنها افرادی دفاع ملکی را بقتل میرسانند و آنها را در جمع طالب حساب میکنند، یک جنگ کامل دراز مدت روانی را برای تربیه جوانان کشور با روحیه بزدلی و هراسمندی از پیش میبرند. هدف اصلی آنها تنهاتربیه مجدد طالبان با روحیه اطاعت پذیری نه بلکه واداشتن خلق افغانستان به اطاعت در مجموع است. طالبان، دشمنان مردم افغانستان اندولی بیشتر از حزب وحدت و حزب جمعیت و نرسوسپاه و حرکت با مردم افغانستان دشمنی نمیکنند. طالبان موجوداتی اند که بدست پاکستان و امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی بوجود آمده اندولی حزب وحدت، حزب جمعیت، و حرکت کمتر از آنها ساخته و پرداخته امپریالیزم و ارتجاع نیستند. اکنون امپریالیستها در صدد اند طالبان را نابود کنند و ایجاد تربیه نمایند، و بمزدوران و فرمانبران مطیع مبدل سازند، در حالیکه نصر، جمعیت، وحدت، حرکت به این مرحله رسیده و به مزدوران کاملاً فرمانبردار و سربراه تبدیل شده اند. چیزیکه برای استراتژی امپریالیستها در آسیای وسطی و جنوبی خطرناک است، روحیه نسل جدید افغانستان در آینده میباشد. نسل حاضر افغانستان، خیانتها و از پشت خنجر زدن های احزاب جنایتکار اسلامی را دیده و قتل و کشتار آنها، انرژی مقاومت این نسل را از میان برده و آنها را کاملاً خسته ساخته است. نسل با انرژی افغانستان نسل آینده است. نسلی که باید مقاومت کند و افغانستان آزاد و مستقل را بوجود آورد. نسلی که باید پیروزه اشغالگران امپریالیست را ب خاک بیالاید. نسلی که باید درفش سرخ انقلاب را که با بخون افتادن پیشتر از انقلابی کشور بزمین افتاده از زمین بردارد و بر فراز هندوکش، سفید کوه و بابا به اهتزاز در آورد، نسلی که باید افغانستان را به یکی از پایگاه های انقلاب و مقاومت خلفا علیه امپریالیزم و سگان زنجیری اش در منطقه و جهان مبدل سازد. ذهن این نسل در معرض دستبرد رهنان امپریالیزم و میهن فروشان لیبرال قرار دارد. برای منحرف ساختن ذهن این نسل توطئه های "رنگین" و شیرین مختلف سازماندهی گردیده است. این توطئه ها بخشی از لشکرکشی ویرانگر اشغالگران امپریالیست بشمار می روند که طلایه داران روشنفکران میهن فروش لیبرال غرب دیده میباشند. این میهنفروشان "موفقیت" برده امپریالیزم بودن را بنمایش میگذارند. آنها مثل "پاداش اطاعت از زورگویان امپریالیست بوده و به جوانان کشور راه" به ناز و نعمت رسیدن را از طریق خیانت ب مردم "نشان میدهند.

نسل جدید کشور در فقدان نمونه های مقاومت و ستیز انقلابی، این میهنفروشان را ب مثابه "مثال" های زندگی شان می پذیرند. آنها در عالم ناآگاهی میکوشند پاجای پای آنها بگذارند. دانشگاه های کشور به مبلغین "متمدن ساز غربی" تبدیل شده که جوانان افغانستان را "انسانیت و مدنیت" سبق میدهند. در حالیکه رهنان دیگر از زمین و آسمان به چپاول مشغولند و ارتشهای 27 کشور جهان ده و دیار ما را به آتش میکشند و "صلح" را تامین میکنند تا برادران شان به راحتی مس، آهن، طلا، اجار قیمتی، آثار باستانی و... غیره را از افغانستان خارج کنند. متخصصین آنها به محصلین کشور "یاد" میدهند که چطور قدر و قیمت این "صلح" را بدانند و چگونه خودشان در آینده چنین "صلح و آرامشی" را تامین کنند و افغانستان را جزئی از "جامعه متمدن" جهانی (برده متمدن) بسازند! اگر آتش و خون، قتل عام و کشتار مردم بی دفاع افغانستان یک جانب سکه تجاوز، اشغالگری و استیلا جونی امپریالیست هامیباشند، جانب دیگر آن این منظره وحشتناک و برده ساز است. اگر استراتژی اشغالگرانه امپریالیست ها در آسیا بطور عام و افغانستان بطور خاص شکست هم بخورند، این پروژه آنها شکست نمیخورند.

زیراهنگامیکه چنین پروژه های در افغانستان وجود نداشتند، آنها توانستند عناصر میهنفروشی را تریبه کنند که امروز در کرسی های وزارت و ریاست دولت مزدور کابل به نمایش گذاشته شده اند. اکنون ده ها هزار تن از این افراد را که در اروپا، امریکا و جاپان برده و تحت تربیه گرفته اند، به یقین میتوان گفت که ده ها اشرف غنی احمدزی، زلمی خلیل زاد، جلیل شمس و سپوژمی میوندی، دادفر سپنتا... و غیره را از میان آنها بیرون میکشند.

همین افراد اند که چه از طریق دانشگاه ها و چه از راه دیگر تمایل به مقابله با امپریالیسم و ارتجاع رادرفن این نسل به یک مسئله ناممکن مبدل میسازند. از اینجا میتوان دید که روشنفکران لیبرال میهنفروش چه کسانی هستند و چه خدمات باارزشی را نه فقط در راه استحکام و اثبات ساختن یک رژیم مزدور و دست نشانده و اشغال و تداوم اشغالگری انجام میدهند، بلکه چه خیانت های تاریخی ای را در راه برده ساختن ذهن نسل آینده افغانستان بازی میکنند. بی جهت نیست که امپریالیست ها آنها را وزیر، رئیس، مشاور و روچایدار باشی شان مقرر فرموده و رادیو، تلویزیون، وب سایت ها و نشرات شان را با ملیون هادالر تمویل میکنند. آنها با تهیه دستگاه تبلیغات ضد کمونیستی و ضد انقلابی به مرحمت و الطاف با داران شان پاسخ میدهند. به وب سایت "گفتمان" نگاه کنید و ببینید این وب سایت چه نمونه حقیقی از بردگی و برده منشی این افراد را منعکس میسازد. این وب سایت به تمام "چرندیات" ضد علمی و ضد دموکراتیک خوش آمد میگوید ولی مقالاتی را که در آن حتی یک اشاره ضد امپریالیسم و ضد ارتجاع بکار رفته باشد، نشر نمیکند. هر باسوادوبی سواد در آن علیه کمونیزم و رهانی انسان مینویسد و حتی برخی از این افراد این وب سایت را مظهر مبارزه برای دموکراسی و آزادی مردم افغانستان میخوانند و از کمونیست ها میخوانند که "مردشوند و بیایند" از طریق این وب سایت ها مبارزه کنند! در این وب سایت افرادی بر علیه کمونیزم مقاله نوشته میکنند که حتی نمیدانند "مانویزم" چطور نوشته میشود. من دریکی از مقالات آن تحت عنوان "پایان دولت های ایدئولوژیک" دیدم که مانویزم را اینطور نوشته بود (ماهویزم). این نشان میدهد که "آقا" چقدر سواد دارد و با این سواد چه درکی از ایدئولوژی خواهد داشت. با تمام این ضد انقلابی بودن آن، این وب سایت قهرمان "سامانی" هاست و در این اواخر منسوبین حزب کمونیست (مانویست) افغانستان نیز آنرا "محل مبارزه مردان" میخوانند.

سامانی هابه هیچ وجه همکاری با "گفتمان" را به دلیل حمله بز دلانه نویسندگان مختلف به رهبران کمونیزم تحریم نکرده ولی افغان-جرمن آن لاین را که در آن بر مجید کلکانی حمله شده، با هزاران فحش و ناسزا تحریم کرده اند. وب سایت "گفتمان" که در آن یک سخن مترقی و پیشرو منعکس نمیشود و حتی یک حرف هم از مقاومت و آزادی کشور مورد بحث نیست از رهبران ساما "تشکر" دریافت میکند.

از جانب دیگر سلطه مزخرفات مذهب بر جامعه و وجود مرتجعین اسلامی براریکه قدرت میباشد برابر سلطه امپریالیسم و شعبده بازی روشنفکران لیبرال ذهن نسل جوان را بسوی ایستانی و سکون متمایل میسازد. سنت ها، عنعنات و رسوم که از پیشینه تاریک نظام فئودالی برخاسته اند و تاکنون آمده اند، با چنان قدرتی در ذهن جوانان کشور ته نشین گردیده اند که در بسامو واقع می بینیم حتی روشنفکر پیشرو و مترقی از آن پیروی میکنند. مثلا شخصیت مجید کلکانی شهید را در نظر بگیریم: میدانیم که مجید یک مبارز میهن پرست و یک ملی-دموکرات مترقی بود. او با مقاومت برحقش یکی از زمین لرزه های شعله ای را تمثیل میکند. اما پیروانش برای آنکه خود را پیرو بهتر او نشان بدهند او را با معیار های مذهبی و عنعنوی تعریف میکنند. تعریف سامانی ها از مجید شهید هیچ زمانی نتوانست از این ورطه هلاکت بار که مجید شهید را عمیق تر دفن میکند، بیرون شود. هیچ سامانی بعد از مجید نتوانست به خلق افغانستان بگوید که مجید حقیقتا کی بود. آنچه آنها گفتند "آغاصاحب"، "قهرمان نستوه"، "تندیس مقاومت" و "آفتاب"... و غیره بود. هیچ یکی نگفت که مجید شهید آدم معمولی و انسان شریفی بود که

آزادی را دوست داشت و برای آن تاپای جان مبارزه کرد و سرانجام ایستاده جان داد و دشمن را کاملاً زبون ساخت. هیچ یکی نگفت که مجید شهید ترجیح داد جانش را بدهد ولی در دل خلق آزادیخواه افغانستان زنده بماند، او ننگ خود دانست که حتی یک لحظه هم در ذهن مزدوران روسی این امید را تازه کند که میتواند با کرسی وزارت و ریاست او را بخرند. سامانی ها با ناجوانمردی بیرحمانه حتی شخصیت ملی-دموکرات را نیز از مجید شهید گرفتند و او را مانند اهل تشیع و حسین ابن علی، به "سالار شهیدان" مبدل ساختند. چیزی که نه معنی دارد و نه وجود عینی و بیشتر از یک واژه مرکب در قاموس جامعه عقبمانده فنودالی به هیچ جای دیگر نمیبرد و دیرتر از عقبماندگی ذهن عوام عمر هم نمیکند. مجید شایسته تعریف واقعی است، تعریفی که او را مجید کلکانی میسازد، نه اغراق مذهبی سالار شهیدان، نه دروغ روشنفکری "اسطوره مقاومت" و نه تمجید مذهبی آغا صاحب! به این طریق می بینیم که ذهنیت ناسالم و نبریدن از فرهنگ عقبمانده، سرانجام حتی شخصیت بزرگ افراد را نیز زیر خاک فرو میبرد، چه رسد به اینکه مقاومت را باشد. نمونه دیگر آن برخورد به رفیق اکرم یاری است. حزب کمونیست (مانویست) افغانستان بدون اینکه حتی یک کلمه بگوید که چرا اکرم یاری در پیشاپیش جنبش کمونیستی کشور قرار دارد، با او همان رفتار را میکند که رویونیست های چینی با صدر مانو میکنند. آنها عکس صدر مانورا همانطور که این حزب نام اکرم را در پاورقی برنامه شا نوشته، در میدان تین آن مین بنمایش گذاشته اند تا کارگران نا آگاه تسلی شود که این حزب همان حزبی است که مانو آن را پیریزی کرده بود. اما اکنون بنیاد این حزب در هزاره جات بر افتاده و بغیر از دو فامیل دیگر طرفدار ندارد، به احتمال قوی در کنگره بعدی، حتی نام اکرم را از پاورقی حزب شان هم بر خواهند انداخت.

موازی به این دو مشکل، مشکل دیگری نیز در رابطه با ایجاد ذهنیت آزادیخواه، انقلابی و پیشرو در کشور وجود دارد. این مشکل نقش اپورتونیزم در داخل جنبش کمونیستی افغانستان است. اپورتونیزم با طول موج های گوناگون در طیف انحرافی گسترده ای تبارز میکند. طول موج کوتاه این جنبش یعنی طول موج رادیکال آن در وجود حزب کمونیست (مانویست) افغانستان بمشاهده میرسد. این حزب در بطن این شرایط که تاریکی اشغال امپریالیستی و خرافات ارتجاع ماندهای بونیاک در فضای تنگ گلوئ انسان را میفشارد و خفه میکند، به عواملش در اروپا دستور میدهد که علیه علوم و بویژه قراردادن علوم ریاضیاتی در خدمت تبلیغات انقلابی دست به سم پاشی زده و آنرا به مسخره گی بگیرند. رایج ساختن بی مسئولیت حرف زدن، هذیان سرانی با واژه های بلند بالا و بنمایش گذاشتن درک نادرست حتی از واژه ها چه رسد به مطالب آنها بواسطه افراد منسوب به این حزب در اروپا، تنها به ایجاد ذهنیت سالم و انقلابی ضربه میزند بلکه این حزب را در محراق نفرت و انزجار توده ها قرار میدهد. عوامل این حزب در اروپا بدترین اپورتونیست و فتنه انگیز ترین موجودات تاریخ جنبش چپ افغانستان به شمار میروند. موضع ارتجاعی و بی حرمت بودن در مقابل علوم ریاضیاتی، در هیچ حزب و سازمان چپ افغانستان و ایران به اندازه این حزب ضد علمی و ضد کمونیستی نمیباشد.

اما این شرایط تحت فعل و انفعال نیروها در امتداد مبارزه اضداد تغییر میکنند و به ضد خود مبدل میشود. چپاولگری، غارت و زورگونی امپریالیستها به نسل جوان این حقیقت را به اثبات میرساند که امپریالیستها برای سلطه و سود یکشورهای دیگر میروند و نه برای آزاد کردن و گسستن زنجیرها. اسلحه و سود کشی امپریالیزم همیشه در جهان با قدرت رسانیدن فاسدترین اقشار و سودکش ترین طبقات همراه بوده و نتیجه سیاسی-اجتماعی آن فساد، ارتشا، استبداد، بیکاری، فحشا، تورم، جنگ و فقر است. چیزیکه در پاکستان، ترکیه، مصر، لیبیا، مراکش و الجزایر همین حالا وجود دارد، در افغانستان نیز حاکم خواهد شد. تفاوتی که در بین دارا و نادر طی این پروسه در جامعه بوجود می آید بسیار بزرگ خواهد بود. به این دلیل نسل آینده افغانستان لاجرم در پی حل این معادله بر خواهد آمد. هسته های کوچک کمونیستی، دسته های

ضدامپریالیزم و ضدارتجاع رشدخواهند کرد و به نیروهای اصیل مقاومت مبدل خواهند شد. در این جا وظیفه آموزشی- پرورشی اساسی کمونیست ها اینست که نسل جوان کشور با ایده های کمونیزم آشنا ساخته و پایه های این جهان بینی و ایدئولوژی رادری علوم و ریاضیات نشان داد و ذهن جوانی را که به کمونیزم علاقه نشان میدهد با منطق روابط طبیعت یعنی منطق دیالکتیک بکار و آموزش فعال سازنده باواژه های بلندبالا و شعار دادن های احساساتی و بدیهه سرایی ها. بعباره دیگر از ذهن جوان علاقمند به کمونیزم نباید "جودان مرغ صحرانی" و "سناچ از هر چمن سمنی" ساخت که واژه های کمونیستی رادرفحاشی به کسی دیگری بکار گرفته و مریضی روانی اش را مداوا سازد.

وظیفه انقلابی دیگری را که باید تشخیص داد اینست که بر مبارزات کمونیستی تاکید بیشتر نمود تا تفاوت بین شکل و مضمون مبارزه را از میان برداشت. امروزی بینیم که بسیاری از رفقای ماکه در حقیقت کمونیست اند به شکل ملی- دموکراتیک مبارزه میکنند. آنها در بحث ها و بررسی های شان از معیار های ایدئولوژیک کمونیستی استفاده میکنند نه بورژوازی. آنها کردار، رفتار و شخصیت کمونیستی دارند نه بورژوازی، آنها در بدترین شرایط زندگی و کار میکنند و نشان رادروپا و امریکاپدست می آورند. بسیاری از آنها 8 ساعت کار میکنند 8 ساعت دیگر رادرس میخوانند و با تحقیقات شان را تکمیل میکنند و رادکارهای انقلابی شرکت می نمایند و 8 ساعت دیگر رادبرای خوردن، خوابیدن و سایر فعالیت های اجتماعی شان مورد استفاده قرار میدهند. این رفتار با ایدد در جهت اعتلای جنبش کمونیستی کارکنند. آنها خود بهتر میدانند که فعالیت های دموکراتیک انحرافات آگاهانه را حمل میکنند. این انحرافات در حالت عادی مشاهده نمیشود ولی بمجردیکه کمونیست هادراین تشکیلات مسئله تکامل و پیش رفتن تا حد ایجاد یک تشکیلات کمونیستی و یاپیوستن به یک تشکیلات کمونیستی را بطور صریح و روشن مطرح سازند، هر تشکیلات ملی- دموکراتیک تجزیه میشود. آن بخشی از عوامل که حاضر نیست از حد و دایره های بورژوا-دموکراتیکش پافرا تر بگذارد یا مستقیم و یا به بهانه ای از بهانه هاجدا شده راهش گرفته می رود. برای کمونیست هاین مسئله بخشی از تکامل است، زیرا تکامل شامل جذب کردن و جداسدن بوده و در بسیاری از موارد خیلی دردناک میباشد. معذالک یک کمونیست مجبور است به چنین اقدامی دست بزند و نظرات بورژوازی یعنی قانع بودن به مبارزه ملی- دموکراتیک را به مبارزه بطلبد، برایستانی چیره شود و رکود را ماستمالی نکند. ثمره این مبارزه ایدئولوژیک که از یکطرف یک گام در جهت کمونیزم به پیش است ؛ از طرف دیگر چنان پروسه سازنده و پرخاشگری را بوجود می آورد که توجه طیف وسیعی از جوانان کشور را جلب و نظرات آنها را تغییر میدهد.

پایان

مانویست های افغانستان